

شرایط استفاده از نکره به عنوان مبتدا

مجتبی سرلک

طلبه حوزه علمیه مدرسه معصومیه

حبیب رضوانی

طلبه حوزه علمیه مدرسه رضویه مبارکه

احسان خدابخشی کرلایی

طلبه حوزه علمیه مدرسه معصومیه

چکیده :

هدف از یادگیری علوم ادبی عربی مانند صرف و نحو در حوزه‌های علمیه، فهم دقیق معنای متون دینی به‌ویژه قرآن کریم می‌باشد. مبحث مبتدا و خبر که یکی از مباحث اصلی علم نحو می‌باشد کمک شایانی به فهم صحیح از متون دینی می‌کند. در این مقاله به بررسی این مبحث پرکاربرد می‌پردازیم. در مبتدا اصل بر معرفه بودن است اما در شرایطی بر خلاف اصل و به صورت نکره استعمال شده است. علمای نحو گاهی مبتدا شدن نکره مخصصه را جایز دانسته اند اما مواردی نیز وجود دارد که مبتدا به صورت نکره محضه، در کلام استفاده شده است. در این بین موضوعی به نام افاده معنا وجود دارد که اجازه می‌دهد مبتدا به صورت نکره استفاده شود. افاده معنا عبارت است از یک تفکیک و یک نوآوری برای مخاطب. یعنی اگر جمله، معنای تازه‌ای را به مخاطب خود رساند، آن جمله مفید معنا خواهد بود. جالب است که خود علمای نحو اذعان داشته اند که دسته بندی مسوغات، چیزی را محدود نمی‌کند و اگر در کلامی افاده معنا وجود داشت، می‌توان از آن کلام استفاده کرد.

واژگان کلیدی: مبتدا، نکره، مسوغات، مخصصه

مقدمه

در این مقاله، مسوغات و یا همان موارد جواز ابتدا به نکره بررسی خواهند شد. در عرف رایج و در زبان فصیح عربی، هنگامی که گوینده می خواهد کلامی را آغاز کند، ابتدا یک اسم معرفه و مشخص، یعنی چیزی که نزد مستمع یا خواننده شناخته شده است می آورد، و سپس در مورد آن خبر میدهد. مثلاً هنگامی که می گوید: (علی آمد)، در اینجا شخص (علی) برای مخاطب مشخص است. سپس در مورد آن (علی) مشخص، خبری می دهد. سوال: چرا مبتدای نکره اشکال دارد؟ پاسخ: زیرا معمولاً مفید معنا نیست. مثلاً در جواب شخصی که از ما پرسید است: (چه کسی آمد؟)، اگر بگوییم: (مردی آمد). قطعاً این جواب ما یک جواب بی معنا و بی فایده خواهد بود و سوال کننده از ما توضیح بیشتری خواهد خواست. اکثر کلام ها با مبتدای نکره سازگار نیستند. اما اگر کسی مثلاً بپرسد: (از جلوی در چه چیزی رد شد؟) و ما در جواب بگوییم: (گربه ای رد شد) در اینجا با این که مبتدا باز هم نکره است ولی در این مثال، مفید فایده خواهد بود. زیرا ما قسمتی از ابهام شخص سوال کننده را برطرف کرده ایم.

تعریف مبتدا و خبر

برای شناخت بهتر مبتدا و خبر ابتدا باید جمله اسمیه را بشناسید زیرا مبتدا و خبر دو رکن اصلی در جمله اسمیه هستند و جمله اسمیه از این دو تشکیل شده است. اما جمله اسمیه چیست؟

جمله اسمیه

به جمله هایی می گویند که برخلاف جمله فعلیه با اسم شروع شود.

مانند جمله «زید قائم»، این جمله با «زید» که اسم است شروع شده است بنابراین این جمله اسمیه است.

تعریف مبتدا

مبتدا در لغت از (بدأ) مشتق شده است و به معنای نخست، آغازگر و آنچه بوسیله آن آغاز شود است.

*مبتدا اسم مرفوع خالی از عوامل لفظی است.

گاهی عوامل زائد بر سرمبتدا بیایند در این صورت مبتدا لفظاً مجرور و محلاً مرفوع می شود. مثل: هل من عالم فی المدینه. (عالم مبتدا لفظاً مجرور محلاً مرفوع)

*اصل در مبتدا این است که معرفه باشد تا خبر دادن از آن مفید باشد پس اگر نکره هم مفید باشد ابتدا قرار دادن آن جایز است.

در اصطلاح علم نحو عبارت از اسمی است که مسند الیه است (اسمی که چیزی به آن نسبت داده می‌شود) و معمولاً در آغاز جمله قرار می‌گیرد.

مثلاً در جمله «زید قائم» - زید ایستاده است» ایستاده بودن به زید نسبت داده شده است بنابراین مبتدا در این جمله ی اسمیه «زید» است.

تعریف خبر

خبر از لحاظ لغوی در واقع مصدر برای ریشه (خَبَرَ) به معنای گذشت، گذشته شد و دیگر وجود ندارد است.

در اصطلاح علم نحو عبارت از چیزی است که مسند است (چیزی که به اسمی نسبت داده می‌شود) و معمولاً بعد از مبتدا قرار می‌گیرد.

مثلاً در جمله «زید قائم» - زید ایستاده است» ایستاده بودن به زید نسبت داده شده است بنابراین خبر در این جمله ی اسمیه «قائم» است.

عامل در مبتدا و خبر

یکی از مباحثی که در باب مبتدا و خبر در بین علمای نحو مطرح است عامل این دو است.

عامل در مبتدا

نظر سیبویه و اکثر ادبای بصره آنست که مبتدا، مرفوع به ابتدائیت است یعنی مبتدا دارای یک عامل معنوی می‌باشد.

ابن مالک در الفیه خود چنین آورده است:

و رفعوا مبتداً بالابتدا کذاک رفع الخبر بالمبتدا

یعنی مبتدا را به ابتدائیت رفع داده اند، همان گونه رفع خبر توسط مبتدا است.

عامل در خبر

جناب سیبویه و اکثر علمای نحو معتقدند که عامل خبر برخلاف عامل مبتدا که معنوی بود، لفظی است و آن لفظ مبتدا است که در خبر عمل نموده و آن را مرفوع ساخته است. اما برخی دیگر از صاحب نظران این دیدگاه را نپذیرفته و گفته اند که عامل مبتدا و خبر در واقع یک چیز است و آن ابتدائیت است که عامل معنوی است نه لفظی.

اقسام مبتدا

مبتدای اسمی

همان تعریف مبتدا را دارد با این تفاوت که نه اسم فاعل و نه اسم مفعولی است که بعد از ادات نفی و استفهام آمده است. به عنوان نمونه به این روایت امام صادق علیه السلام دقت کنید که فرمودند: **الدِّينُ غَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ ذُلٌّ بِالنَّهَارِ**. (بدهکاری، اندوه شب است و خواری روز . تحف/العقول، ص ۳۵۹)

مبتدای وصفی

مبتدای وصفی برخلاف مبتدای اسمی به این صورت است که اگر اسمی که مشتق باشد، مثلاً اسم فاعل باشد یا اسم مفعول و یا صفت مشبیه که بعد از ادات نفی مانند «ما» و ادات استفهام مانند «أ» بیاید و هم چنین یک اسم ظاهری را مرفوع کند در این صورت، آن اسم مشتق را مبتدای وصفی می نامیم و فاعل آن را به عنوان خبر در نظر می گیریم. اگر اسم مشتق مفعول بود در این صورت نائب فاعل آن را به عنوان خبر در نظر می گیریم.

اقسام خبر

خبر جمله

جمله نیز می تواند خبر برای مبتدا قرار گیرد، جمله خبریه دارای دو حالت است:

۱. جمله از نظر معنی، عین مبتداست.

۲. جمله از جهت معنی، عین مبتدا نیست.

حال اگر جمله از نظر معنی، عین مبتدا نباشد در این صورت لازم است جمله به همراه رابطی بیاید تا به وسیله این رابط آن جمله را به مبتدا مرتبط سازد. مثلاً در جمله «زید قام ابوه» که جمله «قام ابوه» خبر برای مبتدا یعنی «زید» می باشد و چون در این جمله خبر عین مبتدا نیست و نمی شود این دو را مساوی یک دیگر قرار داد، بنابراین با رابط آمده است و رابط در این جا «ه» است که به زید بر می گردد.

امادر جمله «نطقی الله حسبی»-«سخنم این است: خدا مرا کفایت می کند» چون خبر عین مبتداست و می شود این دو را مساوی یک دیگر قرار داد بنابراین نیاز به رابط ندارد.

خبر مفرد

خبر می تواند به صورت مفرد بیاید، خبر مفرد یا جامد است یا مشتق.

خبر مفرد جامد

در جمله «زیدٌ اخوک» خبر یعنی «اخو» جامد است و از چیزی گرفته نشده است. هرگاه خبر جامد باشد، در این صورت ضمیر نخواهد داشت.

نکته: مشتق در این جا به معنای مشتقی است که در مسیر و حکم و جاری مجرای فعل باشد مانند: «اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبّهه و اسم تفضیل.»

خبر مفرد مشتق

در جمله «زیدٌ منطلقٌ» خبر، مفرد مشتق است و دارای ضمیر «هو» است. اگر خبر مفرد مشتق جاری مجرای فعل نباشد، بدون ضمیر است.

ابتداء به نکره

اصل آن است که همیشه معرفه مبتدا واقع شود اما تحت شرایط خاص نکره نیز می تواند مبتدا واقع شود.

مسوغات ابتدا به نکره

بطور کلی می توان گفت هرگاه ابتدا به نکره مفید باشد می تواند مبتدا واقع شود. در ادامه مسوغات ابتدا به نکره آورده شده است:

۱. خبر بر مبتدا مقدم گردد در حالی که ظرف یا جار و مجرور باشد، مانند: «عند زیدٍ نمرهٌ - نزد زید، پلنگی است.»
۲. ادات استفهام بر اسم نکره مقدم شود، مانند: «هل فتیٌ فیکم - آیا جوانی در میان شما هست؟»
۳. ادات نفی بر اسم نکره مقدم شود، مانند: «ما خلٌ لنا - دوستی برای ما نیست.»
۴. در صورتی که نکره موصوف واقع شود، مانند: «رجلٌ من الکرام عندنا - مردی از مردان بزرگوار در نزد ماست.»

تقدیم خبر

اصل در خبر آن است که بعد از مبتدا بیاید زیرا در واقع بمنزله وصف «صفت» محسوب می شود و همان گونه که صفت بعد از موصوف عنوان می شود، خبر نیز بعد از مبتدا قرار می گیرد.

اما در صورتی که تقدیم خبر موجب بروز اشتباه و اشکالی نباشد، تقدیم آن جایز است.

مانند «قائمٌ زیدٌ - فی الدار زیدٌ - عندک عمروٌ» در این جملا خبر بر مبتدا مقدم شده و چنین تقدیمی بدون اشکال است.

تاخیر خبر

زمانی که مبتدا و خبر از لحاظ معرفه و نکره بودن مساوی باشد و قرینه ای هم در کلام نباشد تا به این وسیله مبتدا را از خبر تشخیص داد، در این صورت تقدیم خبر جایز نیست.

مانند جمله «زید صدیقک» در این جمله، هم مبتدا و هم خبر معرفه است بنابراین تاخیر خبر واجب است.

حذف مبتدا

امکان حذف مبتدا در جمله وجود دارد، اما باید در جمله قرینه ای وجود داشته باشد.

مثلاً در پاسخ از سؤال: «کیف زید؟» - حال زید چگونه است؟ «گفته شود» صحیح» در این جا مبتدا که زید بود حذف شده است.

حذف خبر

گاهی نیز ممکن است خبر در جمله حذف شود، البته این حذف باید همراه با قرینه ای باشد که در جمله وجود دارد.

مثلاً در پاسخ از سؤال «من عندکما - چه کسی نزد شما دو نفر است؟» «گفته شود» «زید»، جمله در اصل «زید عندنا» بوده که با توجه به قرینه ای ذکر جمله ی سؤال، خبر حذف شده است.

روش های تشخیص مبتدا و خبر

تشخیص صحیح مبتدا و خبر ابتدایی ترین و اصلی ترین راه برای فهم عبارت عربی است. یکی از راهکارهای رایج برای تشخیص مبتدا و خبر، جایگاه آن دو در جمله است به این صورت، اسمی که اول بیاید مبتداست و بعد از آن هر چه بود به عنوان خبر حساب می کنیم.

روش بالا نمی تواند همیشه برای ما راه گشا باشد زیرا همان گونه که قبلاً بیان شد ممکن است خبر زودتر از مبتدا ذکر شود یا یکی از آن دو حذف شده باشد. در این صورت تنها راه قطعی برای تشخیص درست مبتدا و خبر درک صحیح معنای آن جمله است. به این صورت که اسمی، اگر چیزی به آن نسبت داده شده است، مبتداست. و چیزی که نسبت داده شده به اسمی است خبر می باشد.

مثلاً در جمله «علی قائم»، «علی» اسمی است که قیام (ایستاده بودن) به آن نسبت داده شده است بنابراین «علی» مبتدا است. و همچنین «قائم» (ایستاده) به علی نسبت داده شده است بنابراین خبر است.

مثال های قرآنی مبتدا و خبر

در این بخش به ذکر چند نمونه مبتدا و خبر در آیات قرآن کریم می پردازیم تا با ذکر این مثال ها درک بهتری از موضوع پیدا کنیم.

سوره توحید آیه ۱

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾

در این آیه از قرآن کریم دو جمله خبریه اسمیه وجود دارد:

۱. هو الله احد: «هو» مبتدا و «الله احد» جمله و خبر برای هو

۲. الله احد: «الله» مبتدا و «احد» خبر برای الله

سوره ماعون آیه ۴

قَوْلٍ لِّلْمُصَلِّينَ ﴿۴﴾

در این آیه از قرآن کریم ۱ جمله خبریه اسمیه وجود دارد: «ویل» مبتدا و «للمصلین» خبر برای ویل

سوره طلاق آیه ۱

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿۱﴾

در این آیه از قرآن کریم ۱ جمله خبریه اسمیه وجود دارد: «تلك» مبتدا و «حدود الله» خبر برای تلك

منابع:

۱. قربان نیا، ناصر، ملاحظات دربارہ قانون مجازات اسلامی ۹۲ نقد و بررسی فقهی حقوق، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ۹۳
۲. ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی (۵۰۲-۵۵۰ ه.ق)، نشر دارالفکر، بیروت
۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران، ۱۳۸۶
۴. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، در یک جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی-ره، قم-ایران، اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
۵. شهید ثانی (الجبعی العاملی) (زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ۲ جلدی، قم دار الهدی للطباعة و النشر، بی تا،
۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، تحریر الاحکام، ۲ جلدی، قم مؤسسه آلالبیت، بی تا، ج ۲ ص ۷۱۴
۷. حلی، ابن ادریس، ابی جعفر، السرائر، چاپ اول، ۳ جلدی، قم مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق
۸. طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، ۳ جلدی بی جا، قم مطبعة الحکمه.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار، ۴ جلدی بی جا، نجف، مطبعة النجف، ۱۳۷۵ ق
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، یک جلدی، بیروت دار الاندلس
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، مصحح ابوالقاسم علیان نژاد، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۴۲۷، چاپ دوم، سه جلد
۱۲. الهام، غلام محسین، برهانی محسن، در آمدی بر حقوق جزای عمومی، واکنش در برابر جرم، جلد دوم، چاپ دوم، پاییز ۹۲، نشر میزان
۱۳. خمینی، سید روح الله موسوی، استفتائات امام خمینی
۱۴. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه محقق داماد، ۴ جلد،
۱۵. سهرابی، منصوره، بررسی تفسیری رابطه افساد فی الارض با محاربه با تاکید بر آیه ۳۳ سوره مائده فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۱۶، سال چهارم، زمستان ۹۲
۱۶. سلمانپور، محمد جواد، ۱۳۸۲، «مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر»، فقه اهلالبیت، شماره ۳۵، قم، دائره المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل بیت
۱۷. متن فقهی، سایت ایسنا سهشنبه ۱۲ تیر ۹۲